



فصلنامه حقوقی



دوره ۸ - شماره ۲۴ - تابستان ۱۴۰۴

- رابطه خریدار و فروشنده در قرارداد پایه در اعتبار اسنادی با تاکید بر حقوق ایران
همایون مافی، رضا احسانی، احمدرضا امیری لاریجانی
بررسی تطبیقی جایگاه حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه
سیدفضل الله موسوی، امیرحسین عسگری
عدالت کودک محور و مسئولیت دولت: پیشگیری، اصلاح و بازپروری کودکان ناقض قوانین کیفری
محمد روشن، سمیه رنگین کمان، سیدمصطفی حسینی دستجردی
واکاوی چالش‌ها و الزامات حقوقی هوش مصنوعی در محیط‌های کاری: بررسی تأثیرات و راهکارهای اصلاحی
مریم برومند بازکیاگورابی، امیررضا محمودی
جامعه الگوریتمی و انطباق حقوقی: بازاندیشی در حقوق، حکمرانی و عدالت اجتماعی
خدیجه کریمی اصفهانی، مجاهد امیری
صدور اسناد هویتی در مورد اطفال متولد شده از روابط نامشروع و آثار آن در حقوق ایران
مرضیه کاظمی، مصطفی کافی
مسئولیت نقصان یافته در نظام کیفری ایران و انگلستان
ایرج مروتی، نفیسه عراقی، ماندانا جنگلی
نظارت بر رسانه با رویکرد فقهی و حقوقی
نرگس ابوالمعصومی
درآمدی بر جرایم مرتبط با رمزارزها؛ از تسهیلگری تا پیشگیری
محبوبه طالبی رستمی
اهمیت تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران
نازنین بهرامی، مهناز سجادیان، حمیدرضا کناری زاده
تأثیر مداخلات امنیت گرایانه و عوام گرایانه سیاست جنایی بر شکل دهی گفتمان جرم شناختی نئوکلاسیک نوین
مسعود اکبری
مطالعه تطبیقی دارایی تجاری در حقوق ایران و فرانسه
سعید جوهر
بازدارندگی تبعید و نفی بلد در عصر ارتباطات
مهسا محمودی
جلوه های حقوق معنوی زندانیان در اسناد داخلی و بین المللی
امین رضا بهار فلاصری
مطالعه تطبیقی کاربرد اصول دادرسی مدنی در دادرسی کیفری با تأکید بر سازوکار ارجاع
علی اصغر عسگری
جرایم علیه اراضی دولتی (مطالعه مروری)
وحید کیومرثی
زیاله‌های قضایی در حقوق بین‌الملل: چالش‌های نظارتی و راهکارهای حقوقی
مهدی قره داغی
توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و فقه اهل تسنن
داود سلمانپور، یعقوب طاهری، حسین زارعی
مسئولیت بین‌المللی کشورها در مبارزه با دوپینگ: تحلیل حقوقی و چالش‌های اجرایی
سپیده احمدیان فرد
سیاست کیفری در قبال جرائم نظامی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا
امیرحسین ابوالحسنی، حامد زرین جوی الوار، محمدعلی جهانی
قواعد حاکم بر بازار مالی غیرمتشکل پولی در نظام حقوقی ایران
ایوب رحیمی
حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق کالا (مطالعه موردی بندر دلووار)
حسین اکبرپا
شرایط سلبی مسئولیت کیفری شخصی بر مبنای اساسنامه دیوان کیفری بین المللی
محمدرضا افراسیابی
تأثیر قوانین داخلی و التزام به معاهدات بین‌المللی در مبارزه با فساد بانکی
سیدبهمن اکبری
سازوکارهای گوناگون اعمال و اجرای حقوق بین‌الملل
مهدی رضایی اسرمی
بزه‌دیده شناسی سبز و بزه‌دیدگان غیرانسانی
امین حاجی وند، امیرحسین خراشادی زاده، محمدجواد میرزایی



The Importance of Contract Interpretation in Iranian Civil Law

اهمیت تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران

Nazanin Bahrami

Master's student in private law, Tabnak University, Lamerd, Iran

Mahnaz Sajjadian

Master's student in private law, Tabnak University, Lamerd, Iran

Hamid Reza Konari Zhadeh

PhD student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran (Corresponding Author)

نازنین بهرامی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران
nazaninbahramin119@gmail.com

مهناز سجادیان

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران
mahnaz.sajjadian9374@gmail.com

حمیدرضا کناری زاده

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

hamid.konarizadeh@gmail.com

Abstract

Contract interpretation in the Iranian legal system, as one of the fundamental basis of contract law, plays a vital role in understanding and correctly implementing the will of the parties. Given the complexities of legal and commercial relations, ambiguity, silence, or conflict in the provisions of contracts can lead to serious disputes. This article examines the necessity, goals, functions, and challenges of contract interpretation in Iranian civil law and, by analyzing the relevant legal articles, especially Articles 220 and 224 of the Civil Code, emphasizes the importance of interpreting contracts based on the customary meaning of words. Also, this research identifies the reasons for interpreting contracts, including ambiguity, silence, and conflict, and examines the legislator's approach to interpreting contracts and the principles of interpretation in Iranian law. The results of this study show that contract interpretation not only helps to discover the true intentions of the contracting parties, but also leads to maintaining public order and justice in contractual relations. Finally, the need to establish a clear and comprehensive framework for interpreting contracts is emphasized in order to reduce disputes and facilitate international commercial relations.

Keywords: Contract Interpretation, Civil Law, Will of the Parties, Interpretative Principles.

چکیده

تفسیر قراردادها در نظام حقوقی ایران به عنوان یکی از ارکان اساسی حقوق قراردادها، نقش حیاتی در فهم و اجرای صحیح اراده طرفین ایفاء می کند. با توجه به پیچیدگی های روابط حقوقی و تجاری ابهام، سکوت یا تعارض در مفاد قراردادها می تواند به اختلافات جدی منجر شود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ضرورت، اهداف، کارکردها و چالش های تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران می پردازد و با تحلیل ماده های قانونی مرتبط، به ویژه ماده های ۲۲۰ و ۲۲۴ قانون مدنی، بر اهمیت تفسیر قراردادها بر اساس معنای عرفی الفاظ تأکید می کند. همچنین، پژوهش حاضر به شناسایی موجبات تفسیر قراردادها از جمله ابهام، سکوت و تعارض و به بررسی رویکرد قانون گذار در تفسیر قراردادها و اصول تفسیری در حقوق ایران می پردازد. نتایج این پژوهش نشان می دهند که تفسیر قراردادها نه تنها به کشف نیت واقعی متعاقدين کمک می کند، بلکه به حفظ نظم عمومی و عدالت در روابط قراردادی نیز می انجامد. در نهایت، ضرورت ایجاد یک چهارچوب مشخص و جامع برای تفسیر قراردادها به منظور کاهش اختلافات و تسهیل روابط تجاری بین المللی مورد تأکید قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: تفسیر قرارداد، حقوق مدنی، اراده طرفین، اصول تفسیری.

ارجاع:

بهرامی، نازنین؛ سجادیان، مهناز؛ کناری زاده، حمیدرضا؛ (۱۴۰۴)، اهمیت تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران، تمدن حقوقی، شماره ۲۴.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

حقوق تعهدات و به خصوص قراردادها از زمره مباحث مهم و اساسی حقوق خصوصی به شمار می‌روند. اهمیت این شاخه از حقوق خصوصی به دلیل گستردگی، تنوع و کاربرد فراوان و نیز ارتباط مستقیم با نظام اقتصادی در جامعه واضح و روشن است. بی‌شک هدف از انعقاد هر قرارداد نیز اجرای مفاد آن و التزام به آثار ناشی از قرارداد است. برای این که قرارداد در مسیر اجرای خود به مانعی برخورد نکند باید مفاد آن واضح و روشن بوده و طرفین نزاع و اختلافی در مورد شرایط اعتبار، عبارات قراردادی و چگونگی اجرای آن نداشته باشند. نیاز به بحث از تفسیر قرارداد نیز آن گاه ضروری و اساسی جلوه می‌کند که خللی در اجرای مفاد قرارداد و اثربخشی آن در رابطه فردی و اجتماعی طرفین ایجاد شود، در واقع تفسیر قرارداد با روشن و آشکار کردن مفاد، عبارات، خواست و منظور طرفین، راه را برای اجرای صحیح قرارداد هموار می‌کند و مقصود طرفین را برآورده می‌سازد (علوم یزدی و بابازاده، ۱۳۸۹، ۲۲۶).

تفسیر قراردادها به‌ویژه در قراردادهای تجاری بین‌المللی که شامل شرایط، تعهدات متنوع و پیچیده‌ای هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در این راستا، تفسیر قراردادها به‌عنوان ابزاری برای کشف نیت واقعی متعاقدين و تأمین عدالت در روابط قراردادی ضروری است. قانون مدنی ایران، اگرچه به‌طور صریح قواعد جامعی برای تفسیر قراردادها ارائه نکرده، اما با تأکید بر عرف و اصول حقوقی، چهارچوبی کلی برای این فرایند فراهم کرده است. ماده‌های قانونی مانند ماده‌های ۲۲۰ و ۲۲۴ قانون مدنی به‌وضوح بر التزام طرفین به نتایج عرفی و قانونی قرارداد تأکید دارند و معنای عرفی الفاظ را مبنای تفسیر قرار می‌دهند. این امر

نشان‌دهنده ضرورت تفسیر برای حفظ نظم عمومی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی است. با این حال، در نظام حقوقی ایران، نیاز به یک چهارچوب مشخص و جامع برای تفسیر قراردادها احساس می‌شود. در بسیاری از موارد، ابهام در قراردادها ناشی از عدم دقت در نگارش، ناآگاهی از مقررات قانونی یا نیت‌های سودجویانه است. این ابهامات می‌تواند به مداخله مرجع قضایی نیاز داشته باشد و در این جا، تفسیر قرارداد به عنوان یک ابزار حفاظتی عمل می‌کند. همچنین، در فقه اسلامی نیز بحث مستقلی در باب موجبات تفسیر قرارداد وجود ندارد و این کمبود می‌تواند به عدم شفافیت در تفسیر قراردادها منجر شود. علاوه بر این، در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی به رغم وجود مقررات خاصی در باب تفسیر قرارداد، موارد ضرورت تفسیر قرارداد به نحو صریح یا ضمنی بیان نشده است. این موضوع می‌تواند به چالش‌هایی در تفسیر قراردادهای بین‌المللی منجر شود و عدم وجود یک چهارچوب مشخص می‌تواند منجر به تفسیرهای متفاوت و ناهماهنگ شود.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ضرورت، اهداف، کارکردها و چالش‌های تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران می‌پردازد و با تحلیل ماده‌های قانونی مرتبط نقش عرف و قواعد حقوقی در رفع ابهامات و تعارضات قراردادی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. هدف این پژوهش، شناسایی و تحلیل ابعاد مختلف تفسیر قراردادها و ارائه راهکارهایی برای بهبود فرایند تفسیر در نظام حقوقی ایران و تسهیل روابط تجاری بین‌المللی است. پژوهش حاضر مشتمل بر پنج بخش (ضرورت و هدف تفسیر قرارداد، کارکردهای تفسیر قرارداد، موجبات تفسیر قرارداد، رویکرد قانون‌گذار در تفسیر قرارداد و سیاست تقنینی و قضایی ایران در تفسیر قراردادها) می‌باشد و سپس نتایج پژوهش ذکر خواهد شد.

۱- ضرورت و هدف تفسیر قرارداد

در نظام حقوقی ایران، تفسیر قراردادها به عنوان یک ابزار کلیدی برای فهم و اجرای صحیح اراده طرفین قرارداد شناخته می‌شود. اگرچه در قانون مدنی به طور خاص و صریح به شیوه‌های تفسیر قرارداد اشاره نشده است، اما با بررسی ماده‌های مختلف این قانون می‌توان به این نتیجه رسید که اصل حاکمیت اراده در قراردادها مورد تأکید قرار گرفته، اما این اصل به طور مطلق و نامحدود پذیرفته نشده است. قانون‌گذار در مواردی که ممکن است آزادی اراده افراد به حقوق اجتماعی آسیب برساند، با وضع مقرراتی، مانع از اعمال نامحدود اراده اشخاص در قراردادها شده است. به عنوان مثال، ماده ۲۲۰ قانون مدنی تصریح می‌کند

که عقود نه تنها متعاملین را به اجرای مفاد قرارداد ملزم می‌کند، بلکه آن‌ها را به کلیه نتایج ناشی از عرف و عادت یا قانون نیز ملزم می‌سازد. این ماده نشان‌دهنده توجه قانون‌گذار به جنبه اجتماعی قراردادها و ضرورت حفظ منافع عمومی است. همچنین، ماده ۲۲۴ قانون مدنی به معنای عرفی الفاظ عقود اشاره دارد که به نوعی تأکید بر این دارد که تفسیر قراردادها باید با توجه به عرف و عادت جامعه صورت گیرد.

در این راستا، قوانین دیگر مانند قانون کار مصوب ۱۳۶۹، قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ و قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ نیز به عنوان تجلی این دیدگاه در حقوق ایران محسوب می‌شوند. به علاوه، ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ که در راستای اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب شده، به قضات این اختیار را می‌دهد که در صورت عدم وجود قوانین صریح یا کامل، با استناد به منابع معتبر اسلامی و اصول حقوقی، حکم قضیه را صادر کنند. این امر نشان‌دهنده اهمیت تفسیر در نظام حقوقی ایران است (مافی و کدیور، ۱۳۹۳، ۴۵).

با توجه به شباهت کلی شیوه‌های تفسیر قانون و تفسیر قرارداد، می‌توان گفت که تفسیر قرارداد نیز همانند قانون در سه حالت قابل فرض است: در فرض اول، مفاد قرارداد روشن و واضح است و نیازی به تفسیر ندارد. در فرض دوم، مفاد قرارداد مبهم است و نیاز به تفسیر دارد تا اراده واقعی طرفین مشخص شود. در فرض سوم، مفاد قرارداد ناقص است و قاضی باید با توجه به اصول حقوقی و عرف، آن را تکمیل کند. در نهایت، می‌توان گفت که تفسیر قراردادها در نظام حقوقی ایران نه تنها به عنوان یک ابزار برای فهم بهتر اراده طرفین، بلکه به عنوان یک ضرورت برای حفظ منافع اجتماعی و حقوق عمومی نیز اهمیت دارد. این امر به قاضی این امکان را می‌دهد که با در نظر گرفتن اصول انصاف و عدالت، به تفسیر و اجرای قراردادها بپردازد و از تحمیل نظرات شخصی خود بر طرفین قرارداد جلوگیری کند.

۱-۱- ضرورت تفسیر قرارداد

تفسیر قراردادها به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق قراردادها، در حل و فصل اختلافات ناشی از ابهامات یا نقص‌های قراردادی نقش کلیدی دارد. ابهام در قراردادها ممکن است به دلیل عدم دقت در نگارش، ناآگاهی از مقررات قانونی یا نیت‌های سودجویانه ایجاد شود. ماده ۲۲۰ قانون مدنی بر التزام طرفین به نتایج عرفی و قانونی قرارداد تأکید دارد و ماده ۲۲۴ این قانون، معنای عرفی الفاظ را مبنای تفسیر قرار می‌دهد. این ماده‌ها نشان‌دهنده ضرورت تفسیر برای حفظ نظم عمومی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی هستند.

در بسیاری از موارد، طرفین قرارداد به دلیل عدم آگاهی از معانی دقیق واژه‌ها و عبارات، یا به دلیل عدم توجه به جزئیات، قراردادی را منعقد می‌کنند که در آن ابهاماتی وجود دارد. این ابهامات می‌تواند به اختلافات جدی منجر شود و در نهایت، نیاز به مداخله مرجع قضایی را ایجاد کند. در این جا، دادگاه با استفاده از اصول حقوقی و با توجه به شرایط خاص هر پرونده، به تفسیر قرارداد می‌پردازد.

تفسیر قرارداد نه تنها به کشف ابهام‌ها کمک می‌کند، بلکه به درک بهتر نیت و اراده طرفین نیز منجر می‌شود. دادرس باید با دقت به مفاد قرارداد، مذاکرات قبلی و شرایط حاکم بر قرارداد توجه کند تا بتواند به یک تفسیر منطقی و عادلانه دست یابد. این فرایند نیازمند تحلیل دقیق و عمیق است و دادرس باید توانایی تشخیص معانی مختلف واژه‌ها و عبارات را داشته باشد. به علاوه، ابهام در قراردادهای می‌تواند به سوءاستفاده‌های احتمالی منجر شود. برخی از افراد به عمد ابهاماتی را در قراردادهای باقی می‌گذارند تا در آینده از آن به نفع خود بهره‌برداری کنند. در این موارد، تفسیر قرارداد به عنوان یک ابزار حفاظتی عمل می‌کند و به دادگاه اجازه می‌دهد تا با توجه به نیت واقعی طرفین و اصول عدالت، به رفع ابهام و حل اختلاف بپردازد (جعفری تبار، ۱۳۸۸، ۲۳۲).

۱-۲- هدف از تفسیر قرارداد

باید توجه داشت که تفسیر با توجه به معنای خاص خود در نوع، ماهیت، چگونگی اجرا، تغییر شرایط و دیگر عوامل محدودیت‌هایی دارد. در واقع قلمروی اجرای تفسیر، نوع قرارداد و اوضاع و احوال حاکم اجرای قرارداد را واضح و روشن می‌کند (علوم یزدی و بابازاده، ۱۳۸۹، ۲۳۰). هدف اصلی تفسیر قرارداد، کشف و روشن‌سازی اراده طرفین در زمان انعقاد و اجرای قرارداد است. این فرایند به‌ویژه در مواردی که عبارات قرارداد مبهم، مجمل یا متناقض هستند، اهمیت می‌یابد. تفسیر قرارداد به شفاف‌سازی توافقات مشترک، استحکام روابط حقوقی و اجرای صحیح تعهدات کمک می‌کند. علاوه بر این، فرایندهایی مانند توصیف حقوقی، تکمیل و تعدیل قرارداد نیز به عنوان ابزارهای مکمل، به رفع نقص‌ها و ابهامات قرارداد یاری می‌رسانند.

تفسیر مفاد قرارداد به عنوان یک فرایند حقوقی، هدف اصلی‌اش کشف و روشن‌سازی اراده‌های طرفین در زمان انعقاد و اجرای قرارداد است. این فرایند به‌ویژه در مواردی که عبارات یا بندهای قرارداد مجمل، مبهم یا متناقض هستند، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در واقع، تفسیر قرارداد به عنوان ابزاری برای

رفع موانع و ابهامات در مسیر اجرای عقد عمل می‌کند و به طرفین این امکان را می‌دهد که به وضوح و شفافیت در اراده‌ها و توافقات خود دست یابند. تفسیر مفاد قرارداد نه تنها به آشکار کردن اراده‌های هریک از طرفین کمک می‌کند، بلکه موجب شفاف‌سازی توافقات و اراده‌های مشترک نیز می‌شود. این شفافیت به استحکام قرارداد در مراحل مختلف، از جمله در زمان حدوث و بقاء کمک می‌کند. به عبارت دیگر، تفسیر قرارداد به عنوان یک ابزار حقوقی، به حفظ و تقویت روابط حقوقی بین طرفین و اطمینان از اجرای صحیح مفاد قرارداد منجر می‌شود (مسعودی نیا، ۱۴۰۰، ۲۹).

علاوه بر تفسیر، نهادهای حقوقی مشابه نیز وجود دارند که هدف مشابهی را دنبال می‌کنند. به عنوان مثال، توصیف حقوقی به شناسایی طبیعت و محدوده قانونی ماهیت حقوقی قراردادهای می‌پردازد و سعی در برطرف کردن موانع قانونی دارد. این فرایند به هموارتر شدن مسیر اجرای مفاد قرارداد کمک می‌کند و به طرفین اطمینان می‌دهد که قراردادشان در چهارچوب قانونی معتبر و قابل اجرا است. تعدیل مفاد قرارداد نیز به کشف و شناسایی اوضاع و احوال خاص و توازن اقتصادی بین طرفین مربوط می‌شود. در این راستا، تعدیل به دنبال ارائه راه‌حل‌های مناسب بر اساس اراده‌های طرفین است تا از بروز اختلافات و نابرابری‌های احتمالی جلوگیری کند. تکمیل قرارداد نیز با استفاده از عوامل بیرونی مانند عرف، عادت و قانون به رفع نقص‌های موجود در مفاد قرارداد کمک می‌کند. این فرایند به طرفین این امکان را می‌دهد که با توجه به اراده ضمنی خود و لوازم و آثار عرفی و قانونی، اجرای بهتری از مفاد قرارداد داشته باشند.

در نهایت، هدف از تفسیر در معنای عام خود شامل توصیف، تکمیل، تعدیل و اثبات همگی به کشف و رفع ابهام از قرارداد در جهت اجرای آن مربوط می‌شوند. این ابهام می‌تواند ناشی از اراده‌ها، عبارات مفاد قراردادی یا عوامل خارج از مفاد قرارداد باشد. به این ترتیب، تفسیر قرارداد به عنوان یک ابزار حقوقی، نه تنها به حل و فصل اختلافات کمک می‌کند، بلکه به تقویت روابط حقوقی و اقتصادی بین طرفین نیز منجر می‌شود و به حفظ حقوق و منافع آنان در طول مدت اجرای قرارداد کمک می‌کند.

۲- کارکردهای تفسیر قرارداد

تفسیر قراردادهای به عنوان یک فرایند حقوقی، کارکردهای متعددی دارد که در فهم و اجرای صحیح توافقات میان طرفین قرارداد نقش اساسی ایفاء می‌کند. این کارکردها شامل درک اظهارات و اعمال متعاقدین و کشف شروط ضمنی می‌باشند.

۱-۲- درک اظهارات و اعمال متعاقدين

یکی از کارکردهای اصلی تفسیر قرارداد، درک ظاهری الفاظ، اعمال و رفتار طرفین است. این کارکرد به‌ویژه در مواردی که عبارات قرارداد مبهم یا نامشخص هستند، اهمیت می‌یابد. ماده ۸ کنوانسیون وین مصوب ۱۹۸۰ میلادی به‌طور خاص به تفسیر اظهارات و عملکرد متعاقدين توجه دارد و بر کشف اراده واقعی آن‌ها تأکید می‌کند. در حقوق ایران نیز، ماده ۲۲۴ قانون مدنی بر معنای عرفی الفاظ تأکید دارد که نشان‌دهنده اهمیت این کارکرد در نظام حقوقی داخلی است. منظور از کارکرد تفسیر قرارداد، درک ظاهری الفاظ، اعمال و عملکرد طرفین قرارداد است. این کارکرد به‌ویژه در مواردی که عبارات متبادله بین متعاقدين مبهم یا نامشخص هستند، اهمیت پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال، ممکن است عبارات به کار رفته در قرارداد به‌طور واضح دلالت بر تشکیل عقد نداشته باشند یا حدود و شیوه التزام متعهد به ایفای تعهدات قراردادی مشخص نباشد. در چنین شرایطی، تفسیر قرارداد ضروری است تا اراده واقعی طرفین و مقصود آن‌ها از عبارات و شروط به‌درستی درک شود.

۲-۲- کشف شروط ضمنی

کشف شروط ضمنی، به‌ویژه در قراردادهای تجاری بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین کارکردهای تفسیر قرارداد است. شروط ضمنی عرفی و بنایی که بر اساس عرف و قصد ضمنی طرفین در قرارداد وجود دارند، از طریق تفسیر کشف می‌شوند. اصول مؤسسه و اصول اروپایی قراردادهای به این موضوع توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند، درحالی‌که کنوانسیون وین در این زمینه نقص‌هایی دارد. در حقوق ایران، کشف شروط ضمنی بر اساس مبانی فقهی و حقوقی، به‌ویژه ماده ۲۲۰ قانون مدنی، مورد پذیرش قرار گرفت است.

دومین و مهم‌ترین کارکرد تفسیر قراردادهای، یعنی کشف شروط و تعهدات ضمنی می‌باشد. این کارکرد به‌ویژه در زمینه قراردادهای تجاری بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به‌دلیل پیچیدگی‌های روابط حقوقی طرفین، نیاز به توجه و دقت بیشتری دارد. کشف شروط و تعهدات ضمنی به معنای شناسایی و درک تعهداتی است که به‌طور صریح در متن قرارداد ذکر نشده‌اند، اما به‌طور ضمنی در اراده و قصد طرفین وجود دارند. این کارکرد به‌ویژه در قراردادهای تجاری بین‌المللی اهمیت دارد، زیرا در این نوع قراردادهای شرایط و تعهدات ممکن است به‌طور واضح بیان نشوند، اما در ذهن طرفین وجود دارند و بر اساس عرف و عادت تجاری، به‌عنوان بخشی از توافقات تلقی می‌شوند (رشوند بوکانی و ناصر، ۱۳۹۸، ۱۷).

۳- موجبات تفسیر قرارداد

در راستای بررسی ضرورت تفسیر قراردادها و چالش‌های موجود در نظام حقوقی ایران و همچنین در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، سوال اساسی این است که در چه مواردی نیاز به تفسیر قرارداد داریم؟ و به عبارت دیگر موارد ضرورت تفسیر قرارداد^۱ کدامند؟ در نظام حقوقی ایران، پاسخ به این سوال به روشنی تبیین نشده است. در برخی نوشته‌ها و دکترین‌های حقوقی، به موارد ضرورت تفسیر قانون به استناد اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ اشاره شده است، اما این موارد ارتباطی با تفسیر قرارداد ندارند. این نشان‌دهنده این است که در حقوق ایران، نیاز به یک چهارچوب مشخص و جامع برای تفسیر قراردادها احساس می‌شود (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ۱۹۸).

در فقه نیز بحث مستقلی در باب موجبات تفسیر قرارداد وجود ندارد. هرچند اصولیین مباحث قابل توجهی در باب حدود دلالت لفظ بر معنا مطرح کرده‌اند، این مباحث به‌طور مستقیم به تفسیر قراردادها مربوط نمی‌شود. این کمبود در فقه و حقوق ایران می‌تواند به عدم شفافیت در تفسیر قراردادها منجر شود. در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی، به‌رغم وجود مقررات خاصی در باب تفسیر قرارداد، موارد ضرورت تفسیر قرارداد به نحو صریح یا ضمنی بیان نشده است. این موضوع می‌تواند به چالش‌هایی در تفسیر قراردادهای بین‌المللی منجر شود، زیرا عدم وجود یک چهارچوب مشخص می‌تواند منجر به تفسیرهای متفاوت و ناهماهنگ شود.

به‌طور کلی، بررسی چالش‌های موجود در تفسیر قراردادها در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی به ضرورت ایجاد یک چهارچوب مشخص برای تفسیر قراردادها اشاره می‌کند. این موضوع می‌تواند به بهبود فرایند تفسیر قراردادها و کاهش اختلافات بین طرفین کمک کند. در نهایت، شناسایی موارد ضرورت تفسیر قراردادها می‌تواند به‌عنوان یک گام مهم در راستای بهبود نظام حقوقی و تجاری کشورها و تسهیل روابط تجاری بین‌المللی محسوب شود.

۳-۱- ابهام

ابهام در قراردادها یکی از مهم‌ترین دلایل نیاز به تفسیر است. ابهام می‌تواند ظاهری^۱ یا واقعی^۲ باشد و به

دلایل مختلفی مانند عدم وضوح عبارات، تفاوت‌های فرهنگی یا زبانی ایجاد شود. اصل حقیقت که بر پابندی به معنای ظاهری و عرفی الفاظ تأکید دارد، در رفع ابهامات نقش کلیدی ایفاء می‌کند. در حقوق ایران، ماده ۲۲۴ قانون مدنی این اصل را تأیید می‌کند.

۳-۲- تعارض

تعارض در شروط و عبارات قرارداد، یکی از شایع‌ترین موارد ضرورت تفسیر است. در این حالت، قاضی باید با استفاده از اصول تفسیر، مانند تفسیر در پرتو کل قرارداد، به رفع تعارض بپردازد. این فرایند نیازمند تحلیل دقیق زمینه و بافت قرارداد و توجه به عرف و قوانین تکمیلی است.

۴- رویکرد قانون‌گذار در تفسیر قرارداد

در نظام حقوقی ایران، رویکرد قانون‌گذار در تفسیر قراردادها به گونه‌ای طراحی شده است که هدف اصلی آن حفظ عدالت و تأمین حقوق طرفین باشد. این رویکرد شامل اصول و قواعدی است که به دادگاه‌ها و مراجع قانونی کمک می‌کند تا ابهامات موجود در قراردادها را برطرف کرده و اراده واقعی طرفین را مشخص کنند. یکی از اصول کلیدی در تفسیر قراردادها در حقوق ایران، تفسیر به نفع متعهد است. این اصل به این معنا است که اگر عبارتی در قرارداد مبهم باشد، باید به گونه‌ای تفسیر شود که کمترین تعهد را برای متعهد به همراه داشته باشد. این رویکرد به حفظ تعادل بین حقوق و تعهدات طرفین کمک می‌کند و از تحمیل تعهدات ناعادلانه به متعهد جلوگیری می‌کند. در مواردی که قرارداد به نفع یکی از طرفین تنظیم شده باشد، تفسیر قرارداد باید به نفع طرف دیگر انجام شود. این اصل به منظور حمایت از طرف ضعیف‌تر در قرارداد که ممکن است در فرایند مذاکرات یا تنظیم قرارداد در موقعیت نامساعدتری قرار داشته باشد، به کار می‌رود (بهرامی، ۱۴۰۴، ۶۷).

توجه به قصد مشترک طرفین یکی دیگر از اصول مهم تفسیر قراردادها در حقوق ایران است. در صورت بروز ابهام، دادگاه‌ها تلاش می‌کنند تا با تفسیر قرارداد به نحوی که با قصد واقعی و مشترک طرفین مطابقت داشته باشد، ابهام را برطرف کنند. برای این منظور، ممکن است از شواهد خارجی و عرف‌های تجاری مرتبط با موضوع قرارداد نیز استفاده شود. در مواردی که قرارداد در چهارچوب یک عرف خاص تنظیم شده باشد، عرف و عادت می‌تواند نقش مهمی در تفسیر قرارداد داشته باشد. عرف و

عادت به عنوان منبع مکمل برای تعیین معنای دقیق شروط مبهم به کار می‌رود.

ماده ۲۲۴ قانون مدنی به‌طور خاص به موضوع تفسیر قراردادها پرداخته و بیان می‌کند که «الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه». این ماده بر اهمیت تفسیر قراردادها بر اساس معنای عرفی و رایج الفاظ تأکید دارد، مگر این که طرفین معنای خاصی را مدنظر داشته باشند. همچنین، ماده ۲۲۵ قانون مدنی بیان می‌کند که «متعارف بودن امری در عرف و عادت به‌طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد، به منزله ذکر در عقد است». این ماده بر نقش عرف در تفسیر قراردادها و رفع ابهامات تأکید دارد. در نهایت، رویکرد قانون‌گذار ایران در تفسیر قراردادها بر اساس اصولی است که هدف اصلی آن‌ها کشف قصد واقعی طرفین و تأمین عدالت در اجرای قراردادها است. با بهره‌گیری از این اصول، دادگاه‌ها می‌توانند از بروز اختلافات و مشکلات ناشی از ابهام در قراردادها جلوگیری کرده و حقوق طرفین را به درستی تأمین کنند. این رویکرد نه تنها به حفظ عدالت کمک می‌کند، بلکه به ایجاد اطمینان و ثبات در روابط قراردادی نیز می‌انجامد.

۵- سیاست تقنینی و قضایی ایران در تفسیر قراردادها

در حقوق ایران، به‌ویژه در قانون مدنی، تفسیر قراردادها یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه حقوق خصوصی است. اصلی‌ترین هدف از تفسیر قرارداد، کشف نیت مشترک طرفین است. این امر در ماده ۱۱۵۶ قانون مدنی به‌خوبی برجسته شده است.

۵-۱- اصول تفسیری در حقوق ایران

اولویت نیت مشترک: قاضی باید ابتدا به دنبال درک نیت واقعی طرفین باشد. اولویت مفهوم عرفی: اگر متن قرارداد ابهام داشته باشد، الفاظ باید به معنای عرفی و شناخته‌شده در جامعه تفسیر شوند. اولویت عرف محلی و حرفه‌ای: در قراردادهای تخصصی یا صنفی، الفاظ باید در چهارچوب عرف حرفه‌ای یا محلی تفسیر شوند. عدم انحراف از مفاهیم قانونی: تفسیر نباید منجر به نقض قانون یا اختلال در نظام عمومی حقوقی شود. اصل حسن نیت: در تفسیر قراردادها، قاضی باید از اصل حسن نیت پیروی کند (کاظمی و ربیعی، ۱۳۹۱، ۶۶).

۵-۲- نحوه تفسیر قرارداد توسط قاضی

اول- تلاش برای کشف نیت واقعی طرفین: قاضی نباید تنها به ظاهر الفاظ قرارداد تکیه کند، بلکه باید با

استفاده از تمامی شواهد موجود^۳ نیت واقعی طرفین را کشف کند. دوم- استناد به عرف و عادات: الفاظ قرارداد ممکن است در زبان عامه، معنایی متفاوت از آن چه در محیط حرفه‌ای یا عرف متعارف است داشته باشند؛ بنابراین، قاضی باید الفاظ را طبق عرف محلی یا حرفه‌ای تفسیر کند. سوم- استفاده از شواهد خارجی: در صورت وجود ابهام، قاضی می‌تواند از شواهد خارجی^۴ برای تفسیر قرارداد استفاده کند. چهارم- رعایت اصل حسن نیت و عدالت: قاضی باید قرارداد را به گونه‌ای تفسیر کند که منجر به نتیجه‌ای عادلانه شود و از سوءاستفاده یک طرف از طرف دیگر جلوگیری کند.

نتیجه

تفسیر قراردادها در نظام حقوقی ایران به‌عنوان یک ابزار کلیدی برای فهم و اجرای صحیح اراده طرفین قرارداد شناخته می‌شود. این فرایند نه تنها به کشف نیت واقعی متعاقدين کمک می‌کند، بلکه با توجه به عرف، قوانین تکمیلی و اصول حقوقی به حفظ نظم عمومی و عدالت در روابط قراردادی می‌انجامد. با توجه به ماده‌های قانونی مرتبط، به‌ویژه ماده‌های ۲۲۰ و ۲۲۴ قانون مدنی، می‌توان دریافت که تفسیر قراردادها در حقوق ایران به‌طور خاص بر اساس معنای عرفی الفاظ و نتایج ناشی از عرف و عادت صورت می‌گیرد. ضرورت تفسیر قراردادها به‌ویژه در مواردی که ابهام، سکوت یا تعارض در مفاد قرارداد وجود دارد، به‌وضوح نمایان می‌شود. این ابهامات می‌توانند ناشی از عدم دقت در نگارش، ناآگاهی از مقررات قانونی یا نیت‌های سودجویانه باشند. در این راستا، تفسیر قرارداد به‌عنوان یک ابزار حفاظتی عمل می‌کند و به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد تا با توجه به نیت واقعی طرفین و اصول عدالت، به رفع ابهام و حل اختلاف بپردازند. هدف اصلی تفسیر قرارداد، کشف و روشن‌سازی اراده طرفین در زمان انعقاد و اجرای قرارداد است. این فرایند به شفاف‌سازی توافقات مشترک، استحکام روابط حقوقی و اجرای صحیح تعهدات کمک می‌کند. همچنین، فرایندهایی مانند توصیف حقوقی، تکمیل و تعدیل قرارداد نیز به‌عنوان ابزارهای مکمل، به رفع نقص‌ها و ابهامات قرارداد یاری می‌رسانند. رویکرد قانون‌گذار در تفسیر قراردادها به‌گونه‌ای طراحی شده است که هدف اصلی آن حفظ عدالت و تأمین حقوق طرفین باشد. اصول تفسیری در حقوق ایران، از جمله اولویت نیت مشترک، مفهوم عرفی و عرف محلی و حرفه‌ای به قاضی کمک می‌کند تا

۳- مثل رفتار عملی طرفین، سابقه مذاکرات، شرایط انعقاد، وضع اجتماعی و اقتصادی

۴- مثل نامه‌ها، ضبط‌های صوتی، شهادت‌ها و...

ابهامات موجود در قراردادها را برطرف کرده و اراده واقعی طرفین را مشخص کند. این رویکرد نه تنها به حفظ عدالت کمک می‌کند، بلکه به ایجاد اطمینان و ثبات در روابط قراردادی نیز می‌انجامد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- بهرامی، بهرام، ۱۴۰۴، **بایسته‌های تفسیر قوانین و قراردادها**، چاپ هفتم، تهران، انتشارات نگاه بینه.
- جعفری تبار، حسن، ۱۳۸۸، **فلسفه تفسیری حقوق**، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- رشوند بوکانی، مهدی و ناصر، مهدی، ۱۳۹۸، **قصد متعاملین در قراردادهای هوشمند: شرایط اعتبار و شیوه احراز آن**، **دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی**، شماره ۴۹.
- علومی یزدی، حمیدرضا و بابازاده، بابک، ۱۳۸۹، **شیوه‌های تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران و انگلستان**، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۲۹.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۳، **دوره حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها**، جلد سوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- کاظمی، محمود و ربیعی، مرضیه، ۱۳۹۱، **نقض احتمالی قرارداد در حقوق ایران با نگاهی به کنوانسیون بیع بی‌الطی کالا ۱۹۸۰ و نظام‌های حقوقی خارجی**، **دوفصلنامه دانش حقوق مدنی**، شماره ۱.
- مافی، همایون و کدیور، حسام، ۱۳۹۳، **بررسی اختیار ظاهری نماینده در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی**، **دوفصلنامه حقوق خصوصی**، شماره ۲۴.
- مسعودی نیا، محمد، ۱۴۰۰، **تفسیر حقوق قراردادها با تکیه بر حقوق عمومی اقتصادی ایران**، **فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی**، شماره ۳۷.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.24- Summer 2025

Buyer-Seller Relationship in the Underlying Contract in a Letter of Credit with Emphasis on Iranian law
Homayoun Mafi, Reza Ehsani, Ahmadsreza Amiri Larjani

A Comparative Study of Environmental Protection under International Human Rights Law and International Humanitarian Law
Sayyed Fazlollah Mousavi, Amir Hossein Asgari

Child-centered Justice and Government: Responsibility Prevention, Correction and Rehabilitation of Children Violate Criminal Laws
Mohammad Roshan, Somayeh Ranginkaman, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi

Legal Challenges and Requirements of Artificial Intelligence in Workplaces: Examining Impacts and Reform Solutions
Maryam Boroomand Bazkiagourabi, Amirreza Mahmoudi

Algorithmic Society and Legal Adaptation: Rethinking Rights, Governance and Social Justice
Khadije Karimi Sfahani, Mojahed Amiri

Issuing Identity Documents for Children Born from Illegitimate Relationships and its Effects on Iranian Law
Marzieh Kazemi, Mostafa Kafi

Diminished Liability in the Criminal Systems of Iran and England
Iraj Morvati, Nafiseh Araghi, Mandana Janghali

Monitoring the Media with a Jurisprudential and Legal Approach
Narges Abolmasoomi

Cryptocurrency-Related Crimes; from Facilitating the Commission of Crimes to Prevention
Mahbobeh Talebi Rostami

The Importance of Contract Interpretation in Iranian Civil Law
Nazanin Bahrami, Mahnaz Sajjadian, Hamid Reza Konari Zhadeh

Investigating the Effect of Security and Populist Oriented Criminal Policy Intervention on the Formation of Modern New
Classical Criminological Dialog
Masoud Akbari

A Comparative Study of Commercial Property in Iranian and French Law
Saeed Johar

Deterrence of Exile and Banishment in the Period of Communication
Mahsa Mahmoudi

Manifestations of the Moral Rights of Prisoners in Domestic and International Documents
Amin Reza Bahar Falamarzi

Convergent Application of Civil Procedure Principles in Criminal Proceedings Using with Referral Mechanism
Ali Asghar Asgari

A Review of Crimes Against Government Lands (Case Study)
Vahid Kioumars

Space Debris in International Law: Regulatory Challenges and Legal Solutions
Mahdi Gharedaqi

Insult to Sacred Places in Iranian Criminal Law, Imamiyya Jurisprudence and Sunni Jurisprudence
Davoud Salmanpour, Yaghoob Taheri, Hosein Zarei

International Responsibility of States in Combating Doping: Legal Analysis and Implementation Challenges
Sepideh Ahmadian Fard

Criminal Policy Against Military Crimes in the Criminal Law of Iran and the United States
Amirhasan Abolhasani, Hamed Zarinjuj Alvar, Mohammadali Jahani

Rules Governing the Unorganized Monetary Financial Market in the Iranian Legal System
Ayoub Rahimi

Maintaining Social Capital in the Process of Combating Smuggling (Delaware Port Case Study)
Hossein Akbarpa

Conditions for the Exclusion of Personal Criminal Liability Based on the Statute of the International Criminal Court
Mohammadreza Afrasiabi

The Impact of Domestic Laws and Commitment to International Treaties in Combating Banking Corruption
Sayyed Bahman Akbari

Various Means of Enforcement in International Law
Mahdi Rezaei Asrami

Green Victimology and Non-Human Victims
Amin Hajivand, Amirhossein Khorashadi Zadeh, Mohammad Javad Mirzayi